

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری علوم سیاسی

**موضوع:**

**نقش قدرتهای بزرگ در جنگ عراق علیه ایران**

**استاد راهنما:**

**جناب آقای دکتر صادق زیباکلام**

**اساتید مشاور:**

**جناب آقای دکتر سیدداود آقایی**

**جناب آقای دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند**

**نگارش:**

**حمید صالحی**

دیماه 1389

## تقدیم به

دوستان و هم‌زمان شهید عزیزم، سردار شهید سید امد مسینی که از آن قد رعا و رشید فقط پوست صورتش را به روستا آوردند. و تقدیم به شهید جعفر صالحی که پس از چهارده سال تنها پلاکی و استخوانی از او به زادگاهمان آمد، و تقدیم به همه شهدای پر کشیده روستای ابراهیم‌آباد (اراک) که با نثار فونشان درفت آزادی، استقلال و اسلام و امنیت را آبیاری کردند و سر بلندی و افتخار را به ملت شریف ایران ارزانی داشتند.

## تقدیر و تشکر

در اینجا بر خود وظیفه میدانم از کلیه اساتید و همه عزیزانی که در این پژوهش بنده را یاری کردند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. شایسته است از استاد راهنمای این پژوهش استاد ارجمند و عزیزم جناب آقای دکتر صادق زیبا کلام که انصافاً به طور شایسته به دفاع از اینجانب اهتمام ورزیدند و مزاحمت‌های بیش از اندازه و شبانه‌روزیم را در طول دوران تحصیل تحمل کردند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم.

همچنین از اساتید محترم مشاور، جناب آقای دکتر سیدداود آقایی و جناب آقای دکتر محمدجعفر جوادی ارجمند و اساتید محترم داور جناب آقای دکتر علیرضا ازغندی از دانشگاه شهید بهشتی، و فرمانده خودم دکتر سیدرحیم صفوی نیز کمال سپاس و قدردانی را دارم.

در پایان از داوران محترم داخلی جناب آقای دکتر سیدحسین سیف‌زاده و دکترکیو مرث جهانگیر نیز کمال امتنان و سپاس را تقدیم می‌دارم. امید دارم بتوانم در آینده زحمات این عزیزان را جبران کنم. انشا الله.

## چکیده

هدف اصلی این پژوهش، بررسی و مطالعه تأثیر نقش قدرت‌های بزرگ در آغاز، تطویل و پایان جنگ عراق علیه ایران است. بدلیل واکاوی علمی و پیوند میان دو متغیر مستقل و وابسته این پژوهش، ما ناچاریم از نظریه‌های سیاسی یا روابط بین‌الملل بهره ببریم. بدلیل نقش و عوامل تأثیرگذاری ساختار نظام بین‌المللی بر تحولات دوران جنگ فوق‌بهترین نظریه مورد استفاده، نظریه نواقع‌گرایی والتس می‌باشد. این نظریه به خوبی می‌تواند نقش عوامل سیستمی (آنارشیک) در آغاز جنگ عراق علیه ایران، تأثیر اصل موازنه قدرت در تطویل جنگ، و مؤلفه تأثیرگذاری همچون قواعد، تحریم‌ها و شورای امنیت در پایان جنگ فوق‌الذکر بررسی و تبیین کند.

پژوهش حاضر، در نهایت بدنبال تأثیر این فرضیه است که عوامل ساختاری نظام بین‌الملل بیشترین تأثیر را در جنگ‌های رخ داده در دوران نظام دوقطبی ایفاء کرده که جنگ عراق علیه ایران از این امر مستثنی نبوده است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1	کلیات
1	طرح مساله
6	هدف پژوهش
7	بررسی ادبیات موضوع
10	سوال اصلی
11	سوالات فرعی
11	فرضیه های رقیب
11	فرضیه اصلی
11	سازماندهی پژوهش

## فصل اول: چارچوب نظری

13	مقدمه
15	جنگ عراق علیه ایران و چرا نظریه نو واقع گرایی؟
18	چرا نوواقع گرایی
19	نظریه پردازی و روابط بین الملل
20	نوواقع گرایی و سیاست بین الملل
22	چارچوب نظری
25	نظریه واقع گرایی ساختاری
25	کنت والتس: یک رهیافت ساختاری
25	مردم، کشور و جنگ
28	نظریه سیاست بین الملل
29	از واقع گرایی کلاسیک تا واقع گرایی ساختاری
31	دولت گرایی
32	بقاء
33	خودیاری
38	نظام آنارشیک بین الملل
39	موازنه قدرت و نوواقع گرایی
40	ابرقدرت ها و نظام بین الملل
44	جنگ و نظام بین الملل

## فصل دوم: شروع جنگ عراق علیه ایران و نظریه ساختاری والتس

50	مقدمه
52	1- تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر نظام بین‌المللی
60	2. پیش‌زمینه‌های وقوع جنگ
61	2-1- اختلافات ارضی
72	2-2- آغاز جنگ
77	3- خط‌مشی قدرتهای بزرگ در آغاز جنگ تحمیلی
77	3-1- خط‌مشی‌های آمریکا در آغاز جنگ تحمیلی
84	3-1-1- تغییر مواضع آمریکا و واکنش عراق
87	3-2-1- موضع مساعد آمریکا
90	3-2-2- خط‌مشی‌های شوروی در قبال جنگ تحمیلی
97	نتیجه‌گیری

## فصل سوم: نظریه موازنه قوا و تطویل جنگ ایران و عراق

100	1- قدرت‌های بزرگ و منطق موازنه قدرت
109	2- جنگ عراق علیه ایران، بازدارندگی یا موازنه قدرت
115	3- ماجرای مکه‌فارلین و اصل موازنه قدرت
116	4- نظام بین‌الملل، شورای امنیت و موازنه قدرت
117	5- جنگ نفتکش‌ها
118	6- موشک باران شهرها
119	7- عملیات بدر
119	8- ریشه‌های ماجرای مکه‌فارلین در قاموس اصول موازنه قوا
126	9- رویکرد موازنه قدرت در سیاست خارجی آمریکا در برابر جنگ عراق علیه ایران
129	10- کمک تسلیحاتی ابرقدرت‌ها به عراق
129	10-1- آمریکا
140	10-2- شوروی (سابق)
145	11- قدرتهای بزرگ
145	11-1- کشورهای اروپائی (فرانسه، انگلستان و ایتالیا و آلمان غربی) و جنگ عراق علیه ایران
151	11-2- فرانسه و جنگ عراق علیه ایران
154	11-3- سیاست فرانسه در مرحله دوم جنگ 1362-1365
155	11-4- نقش فرانسه در مرحله پایانی جنگ (1365-1367)
157	11-5- نقش فرانسه در قبال استفاده عراق از سلاحهای شیمیایی
158	12- نقش کشور سوسیالیستی چین در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران
162	12-1- اتخاذ سیاست بی‌طرفی در طی جنگ عراق علیه ایران از سوی چین
164	نتیجه‌گیری

## فصل چهارم: اصل مداخله‌گر نظام بین‌الملل و پایان جنگ ایران و عراق

167.....	1- شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه ایران
168.....	2- قلمرو مجاز اقتدار شورای امنیت
170.....	جنگ تحمیلی و قطعنامه های شورای امنیت
170.....	قطعنامه 479
171.....	قطعنامه 514
173.....	قطعنامه 540
173.....	قطعنامه 552
174.....	قطعنامه 582
175.....	قطعنامه 588
175.....	قطعنامه 598
176.....	قطعنامه های تکمیلی
177.....	شورای امنیت، نظم بین‌المللی و قدرت های بزرگ
179.....	3- شورای امنیت، و قطعنامه 598
181.....	4- قطعنامه 598 حربه الزام ایران به قبول آتش‌بس
182.....	4-1- الزام آور بودن آتش‌بس مقرر در قطعنامه 598
184.....	4-2- پذیرش قطعنامه 598 توسط ایران
186.....	4-3- فضای حاکم بر شورا در زمان صدور قطعنامه
192.....	5- قطعنامه 598 (20 ژوئیه 1987) و قدرت‌های بزرگ
195.....	6- روزهای پایانی جنگ و قدرت‌های بزرگ
196.....	7- عقب‌نشینی از حلبچه و دوره جدید
197.....	8- افزایش تحرکات دیپلماتیک
201.....	نتیجه‌گیری
202.....	جمع بندی و نتیجه‌گیری نهایی
211.....	فهرست منابع و مآخذ



## پیش‌گفتار

جنگ تحمیلی هشت ساله عراق علیه جمهوری اسلامی ایران، یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین جنگ‌های منطقه و جهان در عصر معاصر می‌باشد، که دارای رموز و رازهای فراوانی است و ما اکنون در شرایطی قرار گرفته‌ایم که لحظه لحظه اسرار و ناگفته‌هایی از این جنگ منتشر می‌شود. بخشی از این واقعیت در دست ماست و بخش دیگر آن در دست قدرتهای بزرگ و بیست‌شش کشوری است که چرخ‌های ماشین جنگی عراق را روغن می‌زدند و اگر بخواهیم واقعیت‌های پنهان این جنگ را آشکار کنیم صدها پایان‌نامه و رساله دکتری را به خود اختصاص خواهد داد. امیدوارم جامعه علمی و پژوهشی کشور در این خصوص اهتمام بیشتری ورزد و لذا زمینه‌های لازم را در این خصوص فراهم کند. چرا که این جنگ از جهات فراوانی دارای اهمیت بسزای است. جنگ فوق‌در زمان و عصری اتفاق افتاد که ملت ایران به گونه‌ای شایسته نقش‌آفرینی کرد و در مقایسه با تاریخ و ادوار گذشته ایران تفاوت‌های اساسی و بنیادی را داشت. و مهمتر از همه اینکه، در این جنگ ملت ایران بهترین و عظیم‌ترین و بیشترین سرمایه انسانی خود یعنی 230000 هزار شهید و بیش از 400000 هزار مجروح از جوانان صادق و پاک خود را تقدیم کرد. این عزیزان توانستند از حیثیت و شرف و سرزمین خود جوانمردانه دفاع کنند.

به عبارتی دیگر، با جرات می‌توان ادعا کرد هیچ مقطعی از تاریخ کشورمان را نمی‌توان با این دوره قیاس کرد. اگر بخواهیم مقایسه‌ای کلی و اجمالی در این خصوص داشته باشیم قابل ذکر است که اکثر جنگ‌ها و جنبش‌ها و مبارزاتی که تا کنون در طول تاریخ بر ملت ایران گذشته است، به نوعی نقش بیگانگان و در رأس آنها قدرتهای بزرگ (انگلیس - روسیه - آمریکا) پررنگ بوده و نقش اصلی را آنها ایفا کرده‌اند و با تمام وجود در این جنبش‌ها و مبارزات دخالت مستقیم و غیرمستقیم داشته‌اند. در همین رابطه ما شاهد حضور قدرتهای بزرگ شرق و غرب و کشورهای منطقه و در طرف دیگر شاهد اراده پولادین ملت ایران و جوانان دلاور و از خود گذشته ایران بودیم. در جنگ هشت ساله‌ای که دولت عراق به ملت ایران تحمیل کرد، ایرانیان به باوری رسیدند که توانستند حماسه‌ای با شکوه را خلق نمایند. این حماسه را در هیچ دوره

از تاریخ ایران سراغ نداریم، و امروز اگر قدرتهای بزرگ و بیگانه جرات و جسارت این را ندارند تا به این کشور کوچکترین تجاوز و تعدی را روا دارند بخاطر رشادت و پایمردی بهترین جوانان و آحاد ملت این سرزمین است، که تحت رهبری امام خالص و صادق خود در هشت سال مقاومت بروز کرد. لذا توانست این دستاورد را به ملت ایران تقدیم کند.

در اینجا شایسته است این حماسه مقاوت و ایستادگی ملت ایران و آن هم در مقابل تمام قدرتهای مطرح دنیا بازشناسی و واکاوی مورد قرار دهیم. این دستاورد و حماسه کار ساده و آسانی نبوده که به راحتی بتوان آنرا به محاق فراموشی سپرد و یا مورد تجزیه و تحلیل قرار نداد، ولی متاسفانه در این خصوص و در حق بیان حقایق این جنگ کوتاهی و کم‌کاری‌های فراوانی تاکنون روا داشته شده است. به نظر می‌رسد باید متولیان امور و مراکز علمی و پژوهشی عزم خود را جزم کرده و نهضت تازه‌ای را آغاز کنند و زوایای آشکار و پنهان این جنگ را برای نسل امروز باخوانی و مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. اگر روزی به این درجه از آگاهی برسیم که چه منبع عظیم و چه ذخیره گرانبهایی را داشتیم و از آن غافل بودیم، چه بسا این غفلت عواقب تلخ و ناگواری را با خود به همراه داشته باشد که جبران این کوتاهی و غفلت کار بسیار دشواری است، بنابراین، این سرمایه عظیم و ارزشمند می‌تواند کشور را بیمه نموده، که به نظر می‌رسد نسلی امروز تشنه آن افکار و فضای سالم و بی‌ریا و خالص آن روزگار است، فراموشی این امر، منتج به جامعه و نسل بی‌تفاوت خواهد شد. در چنین جامعه‌ای که فراموشی رشادت‌ها و ایثار گذشتگان رواج یابد، جفای بزرگی نسبت به شهدا، مرتکب شده‌ایم. لذا ماحصل این نوشته درصدد این است که بگوید این جنگ بین دو کشور عراق و ایران نبود بلکه این جنگ از یک سو عراقی وجود داشت با متحدان عرب خود و حمایت شرق و غرب و قدرتهای بزرگ و در طرف دیگر ملتی بود که خواهان استقلال و درگیر انقلاب نوپای خویش که در مقابل تمامی قدرتهای بزرگ ایستاد و از عزت و شرف ملت ایران دفاع کرد. لذا ضرورت دارد زوایایی دیگر این جنگ و عوامل تاثیرگذار در این حماسه بی‌نظیر ملت و رهبری منحصر بفرد آن مورد واکاوی و بازشناسی قرار گیرد.

## کلیات

### طرح مساله

در نظام بین الملل، دولت ها اهداف و منافع همسو یا متعارضی با هم دارند و برای رسیدن به اهداف و حل اختلاف ها از شیوه ها و ابزارهای گوناگونی بهره می جویند. روابط دولت های ملی طیفی از اتحاد و همبستگی تا جنگ و ستیز را در بردارد. به عبارت دیگر این طیف همکاری برای رسیدن به اهداف و حل اختلاف ها تا رویارویی کامل و تلاش برای نابودی و سلطه کامل بر دیگری را در بر می گیرد.

عوامل موثر در تصمیم یک کشور برای استفاده از خشونت در حل معضلات و رسیدن به اهداف می تواند در سه حوزه عوامل زمینه ساز، تسهیل کننده و غایت گرایانه و در سطح تصمیم گیرندگان ملی، منطقه ای و بین المللی و با موضوعات گوناگون سیاسی، نظامی و اقتصادی مورد مطالعه قرار بگیرد. عوامل زمینه ساز متغیرهای نسبتاً ثابتی هستند که در کوتاه مدت و با تغییر حکومت ها و تحول در نظام های سیاسی، چندان دستخوش دگرگونی نمی شوند. محدودیت های جغرافیائی، حل اختلافات تاریخی و مرزی، تفاوت های فرهنگی و فکری، پیوندها و حمایت های منطقه ای و بین المللی از جمله عوامل زمینه ساز در وقوع جنگ ها به شمار می آیند.

نظام بین المللی در بررسی رفتار خارجی دولتهای ملی یک متغیر مستقل به شمار می رود. کشورها بدون توجه به اوضاع بین المللی نمی توانند دست به اقداماتی بزنند که از نظر جامعه جهانی منع شده است. منشور ملل متحد توسل به زور را در صحنه بین المللی، منحصر به شورای امنیت و یا به صورت محدود در دفاع مشروع مجاز می داند. از سوی دیگر به لحاظ سیاسی در نظام بین الملل دو قطبی کشورها نمی توانند به منافع و مواضع دو ابرقدرت بی توجه باشند. هر کدام از قطب ها مناطقی را تحت نفوذ خود دارند و از اقدامی که منجر به تقویت موقعیت رقیب شود، خودداری می کنند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، سیاست خارجی آمریکا در منطقه با بزرگترین شکست روبه‌رو شد و در پی سرنگونی شاه و لغو پیمان سنتو، حلقه مرکزی کمربند امنیتی غرب به دور کمونیزم گسسته شد و استراتژی منطقه‌ای آمریکا (دکترین نیکسون) بازوی قدرتمند نظامی خود را از دست داد و ایالات متحده در رسیدن به هدف اصلی سیاست خارجی خود یعنی حفظ ثبات، امنیت و برقراری توازن بین شرق و غرب در خاورمیانه ناکام ماند.

درحالی که دولت کارتر هنوز از گرفتاری ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران آسوده نشده بود، دو حادثه مهم دیگر در اواخر سال 1979 میلادی (13 آبان 1358) در تهران روی داد و طی آن، دانشجویان پیرو خط امام لانه جاسوسی آمریکا را تسخیر کردند و اعضای آن را به گروگان گرفتند. این حادثه نه تنها به سرنگونی دولت متمایل به غرب مهندس بازرگان انجامید و امید آمریکا را برای نزدیکی به ایران به یأس مبدل کرد، بلکه به روند بهبود مناسبات بین شوروی و کشورهای منطقه که از خطر انقلاب اسلامی در هراس بودند، سرعت بخشید. اشغال سفارت ایالات متحده در تهران نشانه افول اراده سیاسی در آمریکا تعبیر شد و حرمت و اعتبار آن کشور را خدشه‌دار کرد.<sup>1</sup>

حادثه دوم، که به مرگ تنش‌زدانی بین دو ابرقدرت انجامید، در 24 دسامبر 1979 میلادی (3 آذر 1358) روی داد که طی آن، نیروهای ارتش سرخ به بهانه پشتیبانی از دولت افغانستان، آن کشور را به اشغال خود درآوردند. روس‌ها که از مدت‌ها پیش در پی تثبیت موقعیت خود در افغانستان بودند، با سرنگونی شاه در ایران و تضعیف قدرت آمریکا در منطقه، به فرصتی استثنایی دست یافتند و برای نخستین بار، از نیروهای نظامی در مناطق غیر اقماری خود استفاده کردند و با این عمل، ضربه نهایی را به سیاست تنش‌زدایی وارد ساختند. حضور نیروهای روسی در خاک افغانستان نگرانی‌های زیادی در آمریکا پدید آورد. این نگرانی‌ها ناشی از آن بود که امریکایی‌ها اشغال افغانستان را نتیجه برنامه

---

1. حسین اردستانی، رویارویی استراتژی جنگ عراق و ایران: تاثیر تحولات صحنه نبرد بر سیاست قدرت‌های بزرگ، (تهران: دوره عالی جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، 1387)، ص 45.

هم‌آهنگ شوروی برای نفوذ در جهان سوم و تلاش آنان برای رسیدن به آب‌های گرم خلیج‌فارس با استفاده از خلا قدرت موجود در خاورمیانه، می‌دانستند.<sup>1</sup>

به این ترتیب، دهه (1970) میلادی زمانی پایان یافت که نشانه‌های افول قدرت جهانی آمریکا به ویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه آشکارتر شده بود: سفارت آن کشور در تهران اشغال شده بود و کارکنان آن، گروگان نیروهای انقلابی ایران بودند؛ سربازان شوروی در افغانستان حضور داشتند؛ انقلاب اسلامی هنوز مه‌آلود بود؛ و اسلام شیعی یا اسلام ناب محمدی "بنیادگرایی اسلامی" کشورهای منطقه را تهدید می‌کرد. همچنین، منافع حیاتی آمریکا در خلیج‌فارس در معرض تهدیدهای داخلی و خارجی جدی قرار گرفته بود. از یک‌سو، انقلاب اسلامی ثبات سیاسی و امنیت منطقه را تهدید می‌کرد، و از سوی دیگر، شوروی‌ها با اشغال افغانستان یک گام به آب‌های گرم خلیج‌فارس نزدیک شده بودند.

با آغاز دهه 1980 میلادی، آمریکا برای تحکیم ثبات و امنیت در منطقه و حفاظت از متحدان منطقه‌ای خود و ایجاد اطمینان در آنان و روشن‌سازی نقطه‌های تاریک و تردیدآمیز ناشی از سقوط شاه و اشغال افغانستان، تهاجم خود را به دو کانون منطقه یعنی انقلاب اسلامی ایران و شوروی آغاز کرد. شروع این تهاجم در دکتربین کارتر تجلی یافت. وی در 13 ژانویه 1980 میلادی (23 دی 1358) استراتژی جدید آمریکا را در دفاع از منطقه حیاتی خاورمیانه در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی، اعلام کرد: «بگذارید موضع ما کاملاً مشخص باشد؛ هر تلاشی از طرف هر نیروی بیگانه برای در اختیار گرفتن کنترل منطقه خلیج‌فارس به عنوان حمله به منافع حیاتی ایالات متحده تلقی خواهد شد و در نتیجه با استفاده از تمام وسایل ضروری از جمله نیروی نظامی با آن مقابله خواهد شد.»<sup>2</sup>

---

1 - همان، ص 67.

2. هادی نخعی، تجدید رابطه آمریکا و عراق، (روزشمار جنگ ایران و عراق کتاب سی و سوم)، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، 1379) ص 39.

بدین ترتیب، جمهوری اسلامی ایران فضای سیاسی جدیدی را در منطقه به وجود آورد و از لحاظ نظامی، موقعیت قبلی خود را که قدرتی بزرگ در منطقه بود، از دست داد و به یک بازیگر ایدئولوژیک در معادلات منطقه تبدیل شد. چنین وضعیتی برای عراق که سودای برتری طلبی در سر می‌پروراند و خواهان موقعیت بهتری در خلیج فارس بود، تحریک کننده بود.

ایران موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی خود را از دست داده بود و در انزوا به سر می‌برد، اما انقلاب اسلامی حامل اندیشه و پیامی بود که پایه‌های مشروعیت دولت‌های منطقه را متزلزل می‌ساخت و ثبات و امنیت آنان را تهدید می‌کرد. در نتیجه، هر کشوری که می‌توانست این خطر را از دولت‌های منطقه دور کرده و آرامش گذشته را به آنان باز گرداند، از موقعیتی ممتاز در منطقه برخوردار شده و دامنه نفوذش گسترده‌تر می‌شد تا آنجا که رهبری منطقه را به دست می‌گرفت؛ آرزویی که از دیرباز فکر زمامداران عراق را به خود مشغول کرده بود. روزنامه "واشنگتن استار" در این باره نوشت:

رهبران عراق می‌خواهند اینک که ایران در لبه پرتگاه هرج و مرج و نابسامانی قرار دارد، از فرصت بهره گیرند و خود را در کانون قدرت خاورمیانه قرار دهند، این امر میسر نمی‌شود مگر این که عراق بتواند ثابت کند که قدرت الزم برای ایفای چنین نقشی را داراست»

در چنین اوضاعی، قدرت‌های بزرگ، به ویژه ایالات متحده آمریکا - که در پی پیروزی انقلاب اسلامی بازیگر هم‌پیمان خود را در منطقه از دست داده بودند، برای مقابله با انقلاب اسلامی ایران استراتژی گوناگونی را طراحی کردند، از جمله، تقویت برخی از گروه‌های داخلی، کمک به مخالفان انقلاب اسلامی و طرح کودتا. ولی هیچ یک نتوانست آنها را به مقصود خود برساند. در این میان، تلاش‌های مستمر ایالات متحده در خور توجه است. این تلاش‌ها به ویژه با قطع رابطه سیاسی میان ایران و ایالات متحده و گروهان‌گیری اعضای سفارت آمریکا در تهران، اهمیت بیشتری یافت.

بدین ترتیب، کشورهای غربی به رهبری آمریکا برای مقابله با نظام نوپای جمهوری اسلامی و به طور کلی انقلاب اسلامی، اهداف و دست‌آوردهای آن، دولت عراق را برای حمله به ایران، شایسته و مناسب

دیدند و به تأیید و تشویق سران این کشور پرداختند و قول‌های مساعد همکاری نظامی و اقتصادی به آنان دادند و سپس، سیل تسلیحات نظامی را به سوی آن کشور سرازیر کردند. حاکمان کشورهای منطقه نیز که از خطر صدور انقلاب ایران و سست شدن پایه‌های حکومت خود به هراس افتاده بودند، صدام را تشویق کرده و وعده هرگونه همکاری را برای انجام این امر مهم (حمله به ایران) به او دادند.

صدام حسین نیز که از زمان روی کار آمدن در پی نزدیکی به آمریکا بود، شرایط انقلابی در ایران را با توجه به تعارض آن با منافع آمریکا، بهترین فرصت تشخیص داد و برای جلب خشنودی آمریکا گام‌های لازم را برداشت: در دی ماه 1358 همراه با کشورهای محافظه کار عرب، تجاوز شوروی به افغانستان را محکوم کرد و مدتی بعد پیشنهاد منشور ضد شوروی را در خاورمیانه ارائه داد. ژانویه سال بعد، اشغال سفارت آمریکا در ایران از سوی بغداد محکوم شد. مهمتر از همه رئیس جمهور عراق، مناسبات دوستانه خود را با عربستان سعودی تحکیم بخشید، و خود را حامی ثابت ریاض در برابر رادیکال اسلامی خواند. در 5 فروردین 1359 (25 مارس 1980) نیز یک پیمان ضد شوروی بین ریاض و بغداد به امضا رسید. این پیمان در حمایت از یمن شمالی بود که در نظر داشت شورش سوسیالیستی مورد حمایت شوروی و نشات گرفته از یمن جنوبی را سرکوب کند. همزمان، صدام حسین از جبهه امتناع اعراب که برای مبارزه با کمپ دیوید تشکیل شده بود کناره‌گیری کرد. علاوه بر این، صدام حسین با برداشتی که از سیاست آمریکا داشت، یک روز پس از اعلام قطع رابطه آمریکا با ایران، در تاریخ 59/1/20 اعلام کرد: «عراق آماده و مجهز است تا برای دفاع از حاکمیت و افتخار خود دست به جنگ بزند.»<sup>1</sup>

در برخورد با جنگ عراق و ایران در سطح قدرت‌های بزرگ، سه گروه را می‌توان از یکدیگر تفکیک

کرد:

---

1. محمد درودیان، سیری در جنگ ایران و عراق (خونین شهر تا خرمشهر)، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، 1377)، جلد اول، ص 34.

- 1- کشورهایی که به طور علنی و یا ضمنی به نفع عراق موضع‌گیری کرده و از کمک‌های نظامی، سیاسی و اقتصادی به عراق در طول جنگ دریغ نورزیدند. این کشورها عبارت بودند از فرانسه و انگلیس که روابط عمیق و منافع قابل توجهی با عراق داشته و از انقلاب اسلامی نیز شدیداً ضربه خورده بودند. در این میان، موضع فرانسه کاملاً جانبدارانه بود و انگلیس نیز اگر چه علناً اظهار بی‌طرفی می‌کرد ولی به تبع آمریکا و فرانسه کمک‌های قابل توجه اقتصادی و بعضاً نظامی به عراق می‌نمود. از این رو موضع انگلستان در چارچوب مواضع آمریکا و فرانسه مورد توجه قرار گرفته است.
- 2- کشورهای چین، آلمان و ژاپن که ضمن اعلام بی‌طرفی و حفظ رابطه با هر دو کشور، از هر دو طرف بهره‌مند شدند. با این حال، کشور های آلمان و ژاپن، تمایل بیشتری به عراق نشان دادند و در معامله‌های نظامی و اقتصادی با ایران سخت‌گیری و محدودیت‌هایی را اعمال می‌نمودند.
- 3- کشورهایی که به دلیل قرار گرفتن در رأس بلوک‌بندی نظام دو قطبی، بیشترین نقش و تأثیرگذاری را در جنگ ایران و عراق داشتند: آمریکا و شوروی (برقدها).

## هدف پژوهش

پژوهش حاضر می‌کوشد تا در چارچوب نظریه نواقع‌گرایی، نقش قدرتهای بزرگ را در آغاز، تطویل و پایان جنگ مورد بررسی قرار دهد. با توجه به اینکه مواضع و نقش قدرتهای بزرگ در هشت سال جنگ تحمیلی عراق علیه ایران متغیر بوده است، واکاوی عوامل موثر بر مواضع قدرتهای بزرگ از دیگر اهداف این پژوهش است.



## بررسی ادبیات موضوع

ولی نصر و ری تکیه، در مقاله‌ای به نام «مؤلفه‌های مہار ایران» معتقدند تا با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، ایالات متحده محور اصلی راهبرد امنیتی خود در منطقه را بر پایه اتحاد عربستان سعودی تعریف کرد. در این راستا به همراه عربستان و سایر اعضای شورای همکاری خلیج فارس در جنگ هشت ساله به حمایت از عراق پرداخت.<sup>1</sup> باز در همین ارتباط، گازیروسکی در مقاله‌ای تحت عنوان «سیاست خارجی جدید ایران» معتقد است که رادیکالیسم انقلابی ایران همواره باعث تنش‌ها و منازعات میان ایران و کشورهای منطقه شده است.<sup>2</sup>

در بررسی ادبیات موضوع راجع به جنگ عراق علیه ایران، حسین یکتا در مقاله‌ای زیر عنوان «مواضع قدرتهای بزرگ و جنگ عراق علیه ایران؛ موقعیت بین المللی پایان جنگ»<sup>3</sup> در بخش اول کتاب مواضع و اقدامات قدرتهای بزرگ یعنی آمریکا، شوروی و اروپای غربی و شرقی در برابر جنگ هشت ساله عراق علیه ایران» معتقد است که کشف ارتباط میان شروع تداوم و خاتمه جنگ با مواضع، هدفها و اقدامات دولتهای صاحب نفوذ در بین کشورهای منطقه است. به بیان دیگر، نوع برخورد نظام بین المللی با جنگ عراق علیه ایران و بازتاب آن بر روند جنگ، موردنظر است. هرچند در نظام تأثیرپذیر منطقه ای، اقدامات تک تک اعضا بر روند امور، تأثیر فراوانی دارد، اما منافع و اقدامات قدرتهای خارجی می تواند اینگونه اقدامات را آن چنان تحت الشعاع خود قرار دهد که مسیر جریانات را دگرگون سازد.

---

<sup>1</sup> - Vali Nasr and RayTakey, "The Costs of containing Iran: Washangtons Misguded New Middle East Policy", in **Foreign Affairs**, Vol. 87, No.1, pp.85-84.

<sup>2</sup> - Mark Gasiorowski, The New Aggresiveness in Iran's Foreign Policy", in **Middle East Policy**, 2008, Vo.XIV, No.2, p.89.

<sup>3</sup>. حسین یکتا، مواضع قدرتهای بزرگ و جنگ ایران و عراق؛ موقعیت بین المللی پایان جنگ، فصلنامه بررسیهای نظامی، سال چهارم شماره 14، تابستان 1372، صص 117-155.

کارول سیوتر نویسنده کتاب «اتحادشوروی و خلیج فارس در دهه 1980 میلادی<sup>1</sup> استدلال می کند، که شروع جنگ عراق علیه ایران در پایان شهریور 1359/ سپتامبر 1980 به مثابه چالش و امتحانی بس پیچیده و مشکل فرا راه سیاست خارجی منطقه‌ای شوروی، هم در قبال جنگ، هم در رقابت با رقیب سرسخت خودش آمریکا بود. پس از شروع جنگ عراق علیه ایران، شوروی‌ها کوشیدند از فرصت مناسب ایجاد شده، در جهت گسترش روابط خود با جمهوری اسلامی ایران استفاده کنند، بنابراین در همان بدو امر یک موضع بی طرفی اتخاذ کردند.

با توجه به روابط دیرینه و دوستانه شوروی با عراق و نیز کیفیت روابط مطلوب شوروی با ایران پس از انقلاب، شروع جنگ عراق علیه ایران، شوروی سابق و سیاست آن را در قبال جنگ و هر دو کشور متخاصم، در وضعیتی حساس و شکننده قرار داده بود.

ماکسول جانسون در مقاله‌ای به نام «نقش نیروی نظامی آمریکا در جنگ عراق علیه ایران»<sup>2</sup> درگیری آمریکا در خلیج فارس در جنگ عراق علیه ایران معتقد است، بعد از پرچم گذاری مجدد نفت کش های کویتی در دوره به اصطلاح جنگ نفت کش ها، قسمتی از موضع بلند مدت سیاست خارجی امریکا بود. علت طرح نیروی نظامی آمریکا که در آغاز نیروی ویژه مشترک واکنش سریع و بعد فرماندهی نیروی ویژه مشترک نامیده می شد، تنها جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نبود، بلکه علت اصلی کسب توان پاسخگوئی به تحولات منطقه در 1979، یعنی بعد از سقوط شاه ایران و تجاوز شوروی به افغانستان بود. نویسنده جریان اسکورت دریایی امریکا را در متن چگونگی تاثیرگذاری دخالت فعال امریکا طی اواخر سال 1987 و آوریل 1988 بر تصمیم ایران مبنی بر آتش بس را مورد

---

1. کارول ر. سیوتر، اتحاد شوروی و خلیج فارس در دهه 1980، ترجمه بیژن اسدی، (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ)، 1385، ص 264

2. ماکسول جانسون، نقش نیروی نظامی آمریکا در جنگ ایران و عراق، ترجمه پریسا کریمی نیا، ماهنامه نگاه، شماره 26، شهریور 1381، صص 55-64.

بررسی قرار می دهد. در این راستا، قواعد متحول حاکم بر تعهدات آمریکا که عملیات پرچم گذاری مجدد را نیز در بر می گیرد و نقش کنگره آمریکا در تاخیر یا تسهیل این عملیات به ویژه با در نظر گرفتن مبارزاتش با کاخ سفید بر سر تفسیر متفاوت از اختیارات رئیس جمهور در زمان جنگ و کاربرد آن در استقرار نیروهای دریایی آمریکا در منازعه خلیج فارس مورد توجه قرار می گیرد.

باز در همین سیاق، فرهاد درویشی در کتابی به نام «ریشه های تهاجم تجزیه و تحلیل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران»<sup>1</sup> استدلال می کند که عوامل موثر در تصمیم یک کشور برای استفاده از خشونت در حل معضلات و رسیدن به اهداف، می تواند در سه حوزه عوامل زمینه ساز، تسهیل کننده، غایت گرایانه و در سطح تصمیم گیرندگان ملی، منطقه ای، بین المللی، و با موضوعات گوناگون سیاسی، نظامی، اقتصادی و ..... مورد بررسی قرار می گیرد.

نظام بین المللی در بررسی رفتار خارجی دولت های ملی، یک متغیر مستقل به شمار می رود. کشورها بدون توجه به اوضاع بین المللی نمی توانند دست به اقداماتی بزنند که از نظر جامعه جهانی منع شده است. به لحاظ سیاسی در نظام بین المللی دو قطبی، کشورها نمی توانند به منافع و مواضع مراکز عمده قدرت بی توجه باشند. هر کدام از قطب ها مناطقی را تحت نفوذ خود دارند و از اقدامی که منجر به تقویت موقعیت رقیب شود، خودداری می کنند. سطح نظام بین الملل که از عوامل تسهیل کننده جنگ به شمار می آید، به لحاظ ساختار قدرت، قواعد رفتاری کشورها و تاثیرات انقلاب اسلامی بر نظام منطقه ای مورد تحلیل قرار می گیرد. تحولات نظام بین الملل در اواخر دهه 1970 میلادی و اوایل دهه 1980 میلادی، نگرش مراکز عمده قدرت نسبت به ایران و عراق و نقش و اهداف نظام بین الملل در تحریک دولت عراق برای تجاوز به ایران مورد توجه نویسنده قرار گرفته و نقش آنها در تسهیل شروع جنگ مورد بررسی قرار می گیرد.

---

1. فرهاد درویشی و دیگران، ریشه های تهاجم (علل و زمینه های شروع جنگ). (تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، 1387)، 156 ص.

جوینر نویسنده کتاب «جنگ خلیج فارس»<sup>1</sup> معتقد است، که رفتار خارجی دولتها در خلاء شکل نمی‌گیرد. محیط خارجی بویژه ساختار قدرت و نفوذ در نظام بین‌الملل ممکن است جهت‌گیری‌ها و اهداف یک دولت را تحت تاثیر قرار بدهد. از این رو ویژگیهای عمده نظام بین‌الملل، به منزله مجموعه‌ای از متغیرها برای کمک به توضیح جهت‌گیری‌ها و هدفهای واحدهای تشکیل دهنده است. از دیدگاه نویسنده، اگرچه در آغاز و تطویل جنگ عمدتاً متغیرهای فردی (ویژگیهای رهبران مانند جاه‌طلبی صدام حسین)، متغیرهای نقش و متغیرهای اداری (ساختار حکومتی) و متغیرهای ملی (مسائل ژئوپلیتیک و اختلافات ایدئولوژیک) نقش داشتند؛ اما در پایان جنگ متغیرهای سیستمیک بیشتر نقش داشتند. به نحوی که این جنگ دست کم در آن مقطع زمانی به رغم میل باطنی ایران پایان یافت.

ادبیات موجود در بررسی و تبیین نقش قدرتهای بزرگ بیشتر از وجهی کلی برخوردار است، به گونه‌ای که این آثار فارغ از چارچوب نظری و بدون توجه به نقش متغیر قدرتهای بزرگ، صرفاً مواضع ایالات متحده آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی به عنوان دو ابرقدرت حاکم در دوران جنگ سرد را مورد توجه قرار داده‌اند. اینکه قدرتهای بزرگ چه نقشی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران داشتند؟ و نقش قدرتهای بزرگ در آغاز جنگ، تطویل، و پایان جنگ چه بوده است و تابعی از چه عواملی بوده است، کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

## سوال اصلی

قدرتهای بزرگ در آغاز، تطویل و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران چه نقشی را داشتند؟

---

1.Christopher Joyner(ed), **the Persian Gulf War**,(New York: Greenwood Press,1990).p.8.